

@yekmeshkati

نکاتی درباره

شیوه تحصیل، تحقیق، نگارش و تدریس فلسفه

گفت و گو با

استاد یزدان پناه

فهرست مطالب

۲.....	شیوه تحصیل کتاب اسفار.....
۳.....	نحوه تحصیل ۹ جلد اسفار.....
۴.....	شیوه تحقیق و تتبع.....
۶.....	نگارش.....
۶.....	آشنایی با فضاهای جدید.....
۶.....	تدریس.....

بیانات استاد یزدان‌پناه در مورد شیوه‌های تحصیل اسفار و نیز نکاتی در مورد پژوهش و نگارش فلسفی و آغاز تدریس فلسفه^۱

شیوه تحصیل کتاب اسفار

سؤال: نحوه خواندن جدی اسفار چگونه است؟ چه کارهایی حین تحصیل لازم است و چه کارهایی را برای دوره تحقیق باید بگذاریم؟ آیا اصلاً دوره تحقیقی لازم هست و یا آن کارها را ضمن تحصیل اسفار باید انجام داد؟ تتبع حین تحصیل اسفار چگونه باید انجام شود؟ چه کارهایی را پیشنهاد می‌دهید؟

نیز در مورد وقتی که روزانه برای مطالعه اسفار اختصاص می‌دهیم، اولویت‌ها کدام است؟ آیا آثار دیگر اسفار، حواشی بر اسفار یا آثار دیگری؟

پاسخ استاد:

بدایه الحکمه و نهایه الحکمه باید قبلاً کار شده باشد. نیز اشارات باید خوانده شود. از کارها و دروس استاد حشمت‌پور استفاده کنید. سبک و سیاق ویژه‌ای دارد فلسفه مشاء و استخوان‌بندی‌های ویژه به انسان می‌دهد. کلاً برای اینکه بعداً بتوانید حکمت متعالیه را خوب کار کنید، باید مشاء را خوب کار کرده باشید. استخوان‌بندی‌هایی ویژه دارد و می‌دهد و کمک می‌کند. منظور این نیست که همه‌اش درست است. بنده معمولاً تعبیر می‌کنم که مشاء فلسفه خام است، اما اصلش خیلی عالی است و در عین حال استخوان‌بندی‌هایی به انسان می‌دهد در کار دلیل و برهان آوردن. البته سبر و تقسیم‌های بیهوده زیاد دارد و گاه خیلی ذهنی است و خلل‌هایش را در روح کار فلسفه اشراق باید اشباع کرد. دلیل اینکه فلسفه بوعلی گاه برای ما نامفهوم است این است که گاه خیلی ذهنی و نه خارجی برخورد می‌کند.

هر چه سرمایه‌گذاری روی اسفار بکنید مفید است. بنده جلد اول اسفار را دوبار خوانده‌ام. جلد دوم را هم تقریباً دو بار (غیر از اواخرش) خوانده‌ام. یک دور در درس استاد حسن‌زاده و یک دور در درس استاد جوادی آملی. در دوره اول مباحثه داشتیم و در دوره دوم بعضی از جاها را مباحثه کردیم. جلد شش اسفار هم همین‌طور مهم است.

۱. این متن حاصل جلسه گفتگو و مشاوره آقایان صداقت و بغدادی با استاد یزدان‌پناه در مورد تحصیل کتاب اسفار است که در تاریخ

۱۳۹۱/۹/۲۲ انجام شده است.

از تعطیلات استفاده کنید. تعطیلات خیلی برکت دارد. دست بجنبانید. البته فشار بی خود نیاورید. شما خودتان هم کار کنید ولو درس استاد آرام پیش می‌رود. مثلاً استاد جلد دوم اسفار را شروع کرده‌اند، شما خودتان جلد شش را شروع کنید و نگذارید بماند. البته با استاد هم همراهی کنید. [جاهایی را که مطالعه کرده‌اید، بعداً هم در درس شرکت کنید].

نحوه تحصیل ۹ جلد اسفار

کل ۹ جلد اسفار را باید خواند. ما روش خواند اسفار را اینگونه پیشنهاد می‌دهیم:

جلد اول و ششم درس گرفته شود و مباحثه شود.

جلد دوم را می‌شود مباحثه کرد و برخی جاها مباحثه هم اگر نشود، اشکالی ندارد. (اوایلش حدود ۱۵۰ صفحه مباحثه می‌خواهد ولو درس هم گرفته نشود)

جلد سوم: بخشی از جلد سوم درس گرفته شود و بخشی از آن مباحثه شود.

جلد چهار و پنج و هفت مطالعه شود.

جلد هشتم مطالعه شود و اگر یک دور مباحث نفس درس گرفته نشده است، مباحثه هم بشود.

جلد نهم هم مطالعه شود و اواخرش در صورت تمایل، مباحثه شود.

هنگام تحصیل جلد اول، تمام حواشی و شروح موجود را بخوانید. آنجاهایی را که احساس می‌کنید اهمیت دارد، علامت بگذارید و مشخص کنید. خودتان هم حتی نظر بدهید. کتاب را نباید خام نگه داشت، باید علامت گذارد و با علائم، کتاب و متن را غنی کرد؛ مثلاً مطلب اول و دوم و سوم. هر چه توضیح و فهم پیدا می‌کنید که متنی را با آن حل می‌کنید، یادداشت کنید (ولو کنار کتاب). اینها برای حل شدن متن اسفار است. حواشی و مطالب و شروح استاد حسن زاده و استاد جوادی را تا می‌توانید در برنامه و مباحثاتتان اعمال کنید و در کار داشته باشید. بحث قبول همه آن مطالب نیست، بل اینها تقریرهای زنده امروزی است. استاد حسن زاده گاه نکات خیلی دور را هم می‌آورد. این مطالب را برای مباحثه استفاده کنید.

در مباحثه به متون دیگر صدرا هم مراجعه کنید. هم با نرم‌افزارها و هم از طریق تورق. نیز آثاری که فهرست موضوعی این آثارند (مثل الهادیة ولو چندان قوی نیستند). مراجعه به حواشی و سایر آثار صدرا، بهانه ارتباط و قوت است.

کار دیگر، ارتباط دادن متون خود صدرا در اسفار با هم است. مثلاً این متن صدرا در جلد اول را با متن دیگری از او در همین جلد اول ارتباط دهید. این شیوه را ما در کار استاد حسن زاده مقداری دیدیم. بعد برهان شفا را که می‌خواندیم، این کار را تجربه کردیم. مثلاً می‌دیدیم متنی چندان واضح نیست اما در چند صفحه بعد توضیح داده است. بعد آدرس می‌دادیم در هر دو جا و به هم ارجاع می‌دادیم. همینطور، بعداً هر آدرسی ما را به چند جا

مرتبط می‌کرد و کل کتاب به هم وصل شد. این کار را تا می‌توانید در کارتان داشته باشید. در همین زمینه از آثار دیگر صدرا هم استفاده کنید. این کار، شما را به فهم اجتهادی متن فلسفی صدرا می‌کشاند. می‌توانید یقین کنید که حرف اصلی صدرا چیست، ولو در جاهایی طور دیگری سخن گفته است.

کار دیگر: صدرا از متون دیگر خیلی استفاده کرده و گاه عین عبارات را آورده، مانند *المباحث المشرقیة*. در این موارد به اصل آن متن مراجعه کنید. مثلاً می‌بینید در مباحث مشرقیه پنج سطر هست که صدرا چهار سطر را آورده است. این کار باعث می‌شود که بفهمید صدرا کجاها دارد فاصله می‌گیرد. این کار را هر چقدر شد انجام دهید. البته مطلب اول و اصلی حل متن و احساس قوت در فهم متن است. بتوانید بفهمید و تحلیل از متن ارائه بدهید. متن محور اول و آخر کار است. اما کارهایی را برای قوت باید انجام داد.

بحث‌های نهایی صدرا خیلی مهم است. در این مورد، کتبی مانند مشاعر، عرشیه، تعلیقات بر حکمت الاشراق، و شواهد الربوبیه و رساله شواهد الربوبیه، تفسیر ایشان (نوعاً جلد ۱ و ۲ و ۳ تفسیر؛ زیرا صدرا بقیه‌اش را قبلاً نوشته است)، مفاتیح الغیب، شرح اصول کافی (که از آثار آخری صدرا است) مهم است. رسائل قدسیه هم خوب است؛ زیرا خلاصه الشواهد الربوبیه است و اندکی بیش از شواهد دارد، خلاصه اسفار است. مظاهر الهیه و اسرار الآیات هم در رتبه‌های بعدی هستند.

تحقیقات حاجی سبزواری هم مهم است. شرح منظومه و حواشی حاجی بر شرح منظومه را اهمیت دهید که گاه نکات خیلی خوبی دارد. در حواشی حاجی بر خود اسفار هم اینگونه است که خیلی جاها نکاتش عین عبارات صدرا در متن دیگری است. گویا حاجی تلاش کرده در فهم عبارات، تمام بحث‌های صدرا را کنار هم بنشانند و به نتیجه‌ای برسند، لذا یکی از کسانی است که کار فنی در فهم متون صدرا انجام داده است. نیز ایشان گاه سعی کرده تحلیل‌هایی از خود داشته باشد. در این زمینه حواشی ایشان بر شرح منظومه اهمیت دارد.

آقاعلی نوری در بحث‌های توحید خیلی خوب است و باید به ایشان توجه کرد. آقاعلی مدرس هم قوت دارد. تقریرات شهید مطهری را که مرتبط است (مانند بحث اصالت وجود) اهمیت دهید. دانستنش مفید است. مقرر قوی‌ای است و در مواردی تلاش‌های فنی (و گاه اولین تلاش‌های فنی) را ارائه داده، مانند اصالت وجود، حرکت جوهری، معقولات ثانیه.

مدرس زنوزی هم خوب است. استاد مصباح یزدی هم به دلیل اعتراضاتی که کرده است قابل توجه است.

شیوه تحقیق و تتبع

از همین الان که تحصیل می‌کنید باید تتبع را شروع کنید. اصالت به فهم متن داده شود، اما تتبع هم شروع شود. برخی از موارد را استاد ارجاع می‌دهد و برخی را هم خودتان باید پیدا کنید. اصالت وجود، ماهیت و ... را که

حتما باید با آن کنار بیایید. رویکرد تتبعی و تحقیقی را از همین الان اشباع کنید و در جاهای مهم و حساس داشته باشید.

رویکرد تحقیقی این است که سعی کنید به نتیجه‌ای برسید. البته اولاً سعی کنید به تقریری قوی برسید و جوانب کار را بیان کنید. بعد از تقریر، انظار و تقریرهای دیگران را که ببینید، برایتان ایجاد سؤال می‌کند. خودتان هم سؤال‌مند می‌شوید. تا سؤال‌مند نباشید نه تتبع خوب و نه تحقیق جدی انجام می‌شود. پس، اول تلاش تقریری است و بعد نگاه به نظرات دیگران. بعد از آن و بعد از سؤال‌مند شدن، ممکن است احساس کنید که تقریر جدیدی لازم است، بلکه نظر جدیدی سر در می‌آورد. البته این رویکرد نباید طوری باشد که خللی به اصل درس وارد کند. تعبیر رویکرد کردیم، یعنی از الان جهت‌گیری پیدا کنید، نه اینکه کار اصلی باشد.

کاری که بعدها باید انجام شود، این است که به پرسش‌هایی برسید که تا حال در سنت فلسفی ما بدان نپرداخته‌اند و پاسخش وجود ندارد. در اینجا باید مستقلاً کار کنید. بر اساس این سنت، پاسخ این پرسش‌ها را بدهید. این کار هم شما را قوت می‌دهد و هم کار تحقیقی در نهایت باید به اینجاها بکشد. گاه می‌بینیم در سنت ما حرف درستی هست، اما خلل و فرج دارد. باید بدان‌ها پرداخت و این خلل‌ها را رفع کرد.

کار دیگری در مورد تحقیقات: یک دسته از موضوعات را مشخص کنید و برخی از آنها را مفصل کار کنید. مثلاً موضوعی خاص را مشخص کنید و به شکل بنیادین کار کنید. تمام آنچه که تا حال گفته‌اند را بیاورید. خلل و فرج را پیدا کنید و به خود اجازه دهید که حرف بزنید و به نتیجه برسید. شیوه کار تحقیقی عمیق همین است. این باعث می‌شود که بعدها در مورد هر چه که می‌خوانید، همین شیوه را اعمال کنید.

بنده موقعی که نهایی می‌خواندم از ایرادهای استاد مصباح خیلی استفاده کردم. غالب آنها را قبول نکردم اما من را مجبور کرد که کار کنم.

بعدها باید سمت و سویی به‌روز بگیرید. مثلاً تزریق حکمت متعالیه در تمدن اسلامی چگونه است؟ این سؤالی است که فضاهاى جدیدی را باز می‌کند و ما را خیلی به‌روز می‌کند. یا بحث‌های معرفت‌شناسی که ما احساس می‌کنیم هنوز خلل‌هایی وجود دارد. البته در معرفت‌شناسی کسی باید وارد شود که قدر باشد یا استاد قدری داشته باشد که او را راه بیاندازد تا خود فرد بتواند کار را ادامه دهد. هر کسی نباید وارد معرفت‌شناسی بشود.

بنده هنگام بحث حکمت اشراق، متوجه شدم که خللی وجود دارد و این سؤال را داشتم که اشراق و شهود چگونه به درد فلسفه می‌خورد؟ چگونه بحث‌های شهودی می‌تواند در فلسفه راه پیدا کند؟^۱ در فلسفه اسلامی در مورد خیلی از خلل و فرج‌ها را فکری کرد و راه حل ارائه داد. خود بنده به اندیشه جدیدی رسیده‌ام (البته اصلش

^۱ استاد: ما در این زمینه مقداری در درس‌های حکمت اشراق و مقداری هم در دروس حکمت صدر را بحث کرده‌ایم.

در فضای عمومی وجود دارد): هستی‌شناسی اجتهادی در متون دینی در کنار کاری که استاد عابدی شاهرودی مطرح کرده است. این اندیشه برای خیلی از کارهای ویژه راه‌گشاست.

نگارش

در کار پژوهش باید مقاله‌نویسی هم داشته باشید. از مقاله کم‌کم به رساله و کتاب برسید. رویکرد پژوهشی به فراهم آمدن پژوهش می‌انجامد. دسته‌ای از این پژوهش‌ها در تدریس می‌ریزد، دسته‌ای در تحقیقات مباحثه‌ای (در مباحثه تحقیقاتان و نتایجی را که بدست آورده‌اید ابراز کنید)، و دسته‌ای دیگر هم در مکتوبات باید بریزد. برای اینکه زمینه تألیفات آماده شود،^۱ جاهای مهم درس استاد را تقریر کنید و بنویسید و سعی کنید قلم فنی برای بیان فنی را بدست بیاورید. نیز دسته‌ای از کتب معیار در نگارش فنی را مکرر بخوانید. برخی از آثار شهید مطهری و آثار استاد عبودیت در این زمینه قابل عرضه است. بعضی از قلم‌های آقای شیروانی روان است (فقط از جنبه روان بودن مطرح می‌کنیم نه قوت فلسفی). باید پیدا کنیم که در کار فلسفی قلم معیار فنی چیست. بنده معتقدم گویایی و رسایی، وضوح و عدم ابهام و شیوه ورود و خروج، مهم است. نیز ساختار بسیار اهمیت دارد. فضای تفکر در ساختار ریخته می‌شود و ساختار، فضای تفکر را خط می‌دهد. نیز دسته‌بندی‌ها، تقدیم و تأخیرها و تأکیدها مهم‌اند. ادبیات فنی و به دور از زبان محاوره لازم است. به‌روز نویسی را هم باید توجه کنیم و قلم ما نباید کهنه باشد.

آشنایی با فضاهای جدید

آهسته آهسته و بعد از گذراندن سطوحی از تحصیل، لازم است با فضاهای جدید آشنا شوید: فلسفه غرب، فلسفه‌های مضاف، تاریخ فلسفه اسلامی و غرب و کلام جدید و دیگر چیزهایی که نیاز بدان دارید. این کار را آرام آرام انجام دهید. در اوقات تعطیلات بیشتر وقت بگذارید.

تدریس

هر گاه احساس کردید قوت فلسفی‌ای برایتان پدید آمده، فرصتی را قرار دهید و تمام متن بدایه الحکمه را حل کنید و ارتباطات متن بدایه با خودش و با نهاییه را بدست آورید و ... این کار باعث می‌شود که قوت تقریر پیدا کنید و تحلیل‌ها و تقریرهایتان مطابقت بیشتری با متن پیدا کند و غنی‌تر شود و طلبه‌ای که در درس شرکت می‌کند احساس می‌کند که شما در فضا هستید و قوت دارید.

^۱. البته برخی‌ها دست به قلم هستند و آمادگی دارند.

البته من معتقد نیستم کسی که خوب دارد درس می‌خواند، لزوماً باید درس هم بدهد. اما طوری درس بخواند که رویکرد تدریسی هم داشته باشد.

وقتی چند بحث اصلی فلسفه حل بشود، مانند اصالت وجود، تشکیک وجود، وجود ذهنی، وجود رابط و مستقل، و حرف استادان در بدایه را هم خوب می‌دانستید، و خودتان هم بدایه را خط به خط حل کردید و به تقریر اجتهادی هم رسیدید، می‌توانید تدریس را آغاز کنید. رویکرد تبعی را هم داشته باشید و در درس اعمال کنید (آدرس بدهید و طلبه احساس کند این را). حلقات تدریس را هم ادامه دهید: بدایه، نهاییه، اشارات، اسفار. البته تدریس آنقدر نباشد که ادامه تحصیل دروس رشته معقول را تحت پوشش قرار دهد. مسیر تلمذ باید ادامه یابد.

برای این‌گونه از کارها می‌توان یک تابستان را صرف کرد و و کار را آماده کرد. بعد از حل کردن متون و آماده کردن مطالب، هر بحثی را مجدد بخوانید و از خود بپرسید که چگونه باید آن را بیان کرد؟ از کجا شروع کنم، چه فضایی را منتقل کنم و اوایل این کار لازم است اما بعدها کم‌کم مهارت می‌یابید و این مرحله دیگر لازم نیست.

پایان